

جایگاه سیاسی و اجتماعی مسیحیان در قلمرو حکومت فاطمیان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۹

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸

محمد خیاطی*

چکیده

مسیحیان در حکومت فاطمیان (۲۹۷ - ۵۶۷ ه.ق) جایگاه و نقش متفاوتی را تجربه کردند، آنان دارای سابقه زندگی در دوران پیش از اسلام در این مناطق که بعدها تحت سیطره فاطمیان قرار گرفت، بودند. در عصر امویان و عباسیان وضعیت نابسامانی را تجربه کردند؛ اما با استقرار فاطمیان وضعیت زندگی و جایگاه آنان تغییر کرد. آن‌ها در عصر فاطمیان اگرچه با سخت‌گیری‌هایی نیز مواجه شدند اما آسایش بیشتری یافتند و گاه تا مناصب بالای حکومتی هم رسیدند. خلفای فاطمی نیز برخوردهای متفاوتی با آن‌ها داشتند. گاه مانند المعز لدین الله (۳۶۲ - ۳۶۵ ه.ق) به آنان آزادی عمل دادند و حتی به عنوان کارگزار از آنان استفاده می‌کردند و گاه مانند الحاکم بأمر الله (۳۸۶ - ۴۱۱ ه.ق) بر آنان سخت گرفته و ضمن تخریب عبادتگاه‌های آن‌ها، آنان را وادار به برخی از کارها مانند پوشیدن لباس متفاوت و یا نصب علائمی بر سر در منازل خود می‌کردند تا از مسلمانان بازشناسانده شوند. این تفاوت وضعیت و جایگاه، برخاسته از ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی حکومت فاطمیان و رفتار مسیحیان و شخصیت‌های تأثیرگذار آنان بود که آن‌هم برخاسته از سیاست و عملکرد خلفا و وزرای فاطمی

بوده است. پژوهش حاضر در پی یافتن این پرسش است که جایگاه و وضعیت سیاسی و اجتماعی مسیحیان در حکومت فاطمیان چگونه بود؟ برای پاسخ به این سؤال به روش تاریخی و با شیوه توصیفی - تحلیلی پس از گردآوری اطلاعات به تدوین آن پرداخته و این نتیجه به دست آمد که مسیحیان به دلایلی که گفته شد در عصر فاطمیان، وضعیت مناسب‌تری نسبت به دوران قبل و بعد از آنان داشتند.

واژه‌های کلیدی: مسیحیان، اقباط، حکومت فاطمیان، جایگاه سیاسی - اجتماعی.



مقدمه

تاریخ فاطمیان به دو مرحله تقسیم می‌شود: مرحله آغازین آن که بیشتر مرحله مغرب نامیده می‌شود، ۶۵ سال (۲۹۷-۳۶۲ ه.ق) به طول انجامید. چهار خلیفه نخستین فاطمی در آن منطقه حکومت کردند. این چهار نفر عبارت بودند از: عیدالله المهدی بالله (۲۹۷-۳۲۲ ه.ق)، القائم بامر الله (۳۲۲-۳۳۴ ه.ق)، المنصور بالله (۳۳۴-۳۴۱ ه.ق) و المعز لدین الله که بخش عمده‌ای از حیات خلافتش (۳۴۱-۳۶۲ ه.ق) بر مغرب بود. در طی این دوره، فاطمیان عمدتاً مشغول پایه‌گذاری خلافت و تأمین بقای خویش بودند. با انتقال به مصر یازده خلیفه دیگر طی سال‌های ۳۵۸ تا ۵۶۷ ه.ق در آنجا حکومت کردند. خلفای دوران اقتدار در مصر با المعز چهار نفر بودند: المعز (۳۶۲-۳۶۵ ه.ق)، العزیز بالله (۳۶۵-۳۸۶ ه.ق)، الحاکم بامر الله (۳۸۶-۴۱۱ ه.ق) و الظاهر (۴۱۱-۴۲۷ ه.ق). با بررسی وضعیت سیاسی-اجتماعی مصر هنگام ورود فاطمیان می‌توان دریافت، پایگاه نفوذ اهل سنت به دلیل حضور والیان عباسی در مصر بسیار مستحکم بوده است. فاطمیان بدون توجه به وابستگی‌های دینی، نژادی و اجتماعی از توانایی‌ها و استعداد افراد توانمند و خبره بهره می‌بردند. اهل ذمه مصر با تجارب و خبرگی‌هایی که در طی سال‌ها در حکومت‌های پیش از فاطمیان به دست آورده بودند، بهترین گزینه برای فاطمیان به حساب می‌آمدند.^۱

۱. سید، ایمن فؤاد، الدولة الفاطمیه فی مصر، المكتبة الاسره، قاهره، ۲۰۰۷، ص ۸۹. سرور، محمد جمال‌الدین، تاریخ الدولة الفاطمیه، القاهرة، دارالفکر العربی، بی تا، ص ۸۱. طقوش، محمد سهیل، تاریخ الفاطمیین من شمالی افریقیة و مصر و بلاد الشام، بیروت، دار الفانس، الطبعة الاولى، ۱۴۲۲ ه.ق. ۲۰۰۱ م، ص ۲۱۸-۲۱۹. حسن محمد صالح، التشیع المصری الفاطمی جزء الثالث، اشعاع و حضاری متنان و عشر سنوات من الابداع الانسانی، بیروت، دار المحجّة البیضاء، الطبعة الاولى، ۱۴۲۸ ه.ق - ۲۰۰۷ م. ص ۳۲۰.

آن‌ها در مقام وزارت، وساطه، تولیت دیوان‌های اداری و مالی و کتابت توانستند در اداره و اجرای سیاست‌های داخلی و خارجی خلافت فاطمی مشارکتی فعال یابند. از این رو خدمات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی بسیاری را به دستگاه خلافت فاطمی و مردم سرزمین مصر ارائه نمودند. نفوذ و قدرت آنان به‌جایی رسید که کارگزاران و دیوانیان مسلمان را عزل کرده و هم‌کیشان خود را به‌جای آنان گماردند. علاوه بر آن، آنان در کنار افزایش نفوذ در حکومت فاطمی به جمع‌آوری ثروت و مال‌های هنگفت پرداخته و در قصرها و خانه‌های مجللی زندگی می‌کردند، نفوذ و سیطره آنان بر سرزمین مسلمان مصر چنان بود که موجب ترس و احساس خطر مردم و اعتراض آنان نزد خلفا شد. خلفا نیز برخی از آنان را عزل کرده اما این امر موقتی بوده و به‌زودی با شفاعت رجال دیگر به مقام خود باز می‌گشتند. گاه وزرا از چنان قدرت و سیطره برخوردار شدند که برای خلفا چیزی جز نام از خلافت باقی نماند.^۱

این امر سبب شد برخی از آنان با خوراندن سم یا ترور و یا درخواست کمک از امراء و حکام نقاط دیگر قلمرو فاطمی از آنان رهایی یابند؛ که این اقدام آن‌ها تبعات بسیاری را در برداشت. در همین راستا در این تحقیق برآنیم تا به بررسی جایگاه سیاسی و اجتماعی مسیحیان در عصر فاطمیان بپردازیم اما قبل از آن واژه‌های کلیدی را تعریف می‌کنیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. محمد بن علی یوسف بن جلب ابن میسر، اخبار مصر، بتصحیح هنری ماسیه، القاهرة، مطبعة المعهد العلمی الفرنسي، ۱۹۱۹ م، ج ۲، ص ۱۶؛ تقی الدین ابی العباس احمد بن علی بن عبد القادر العیبدی المقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، وضع حواشیه خلیل منصور، بیروت، دار الکتب العلمیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۸ هـ. ق - ۱۹۹۸ م، ج ۲، ص ۲۴۱، ج ۳، ص ۶۰. تقی الدین ابی العباس احمد بن علی بن عبد القادر العیبدی المقریزی، اعطاء الحنفاء باخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء، ج ۲، ص ۲۶۰-۲۷۰. شهاب‌الدین احمد بن عبدالوهاب النوبری، النهایه الأرب فی فنون الادب، القاهرة، دار الکتب و الوثائق القومیه، الطبعة الثالثة، ۱۴۲۸ هـ. ق - ۲۰۰۷ م، ج ۲۸، ص ۲۴۰. سرور، محمد جمال‌الدین، تاریخ الدوله الفاطمیه، ص ۹۸-۹۹. لوئیس برنارد، تاریخ اسماعیلیان، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات طوس، ۱۳۶۲ هـ. ق، ص ۱۸۰.

جایگاه: مقامی که شخص در سلسله مراتب دولت یعنی سازمان قدرت در جامعه دارد.^۱ منظور از جایگاه مسیحیان در قلمرو حکومت فاطمیان، موقعیت و میزان مشارکت مسیحیان در حکومت فاطمیان است.

مسیحیان: پیروان عیسی بن مریم علیه السلام پیامبر بزرگ الهی و کتاب مقدس آن‌ها انجیل است که در بیت المقدس ظهور کرد و در روم (اروپای کنونی) گسترش پیدا کرد.^۲

اقباط: در ادبیات عرب به سکنه اصلی مصر در زمان فتح مسلمانان که دیانت مسیحی و یهودی داشتند، اطلاق می‌شد. این کلمه در زمان فتح، معنای مذهبی و دینی نداشت بلکه شامل همه ساکنین مصر اعم از مسیحی، یهودی و مسلمانان تا قرن سوم هجری می‌شد؛ اما بعدها این واژه تنها به مسیحیان مصری اطلاق گردید.^۳

فاطمیان: فاطمیان حاکمان اسماعیلی مذهب شمال آفریقا و مصر بودند که به رهبری عبیدالله مهدی در شمال آفریقا از سال ۲۹۷ ه. ق حکومتی شیعی تشکیل دادند و در سال ۳۵۸ ه. ق با فتح مصر بر قدرت و شوکت خود افزودند. این سلسله نام خود را از آنجاکه مدعی بودند از نسل حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام هستند، از نام فاطمه گرفتند. مؤسس این حکومت فاطمی شیعی عبیدالله مهدی پسر حسین بن احمد بن عبدالله بن محمد بن اسماعیل بن جعفر صادق علیه السلام است. اگرچه دشمنان فاطمیان در نسب آنان تردید کرده‌اند.^۴

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. آشوری (۱۳۷۳)، دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)، تهران، انتشارات مروارید، ص ۲۱۳.
۲. دورانت، ویل، تاریخ تمدن (قیصر و مسیح)، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۵۶.
۳. تقی الدین ابی العباس احمد بن علی بن عبد القادر العیبدی المقریزی، تاریخ الأقباط، دراسة و التحقیق الدكتور عبدالمجید دیاب، القاهرة، دارالفضیلة، بی تا ص ۲۶.
۴. تقی الدین ابی العباس احمد بن علی بن عبد القادر العیبدی المقریزی، اتعاظ الحنفاء باخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء، تحقیق الدكتور محمد حلمی محمد احمد، القاهرة، مجلس الأعلى للشتون الاسلامیة ۱۳۹۰ هـ ق. ۱۹۹۲ م، ج ۱، ص ۲۳-۲۵؛ عبدالله ناصری طاهری، فاطمیان در مصر، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، ۱۳۹۲، ص ۳۵-۳۸.

تسامح نسبت به مسیحیان

حملات فاطمیان به مصر با ورود سردار وفادار فاطمی، جوهر صقلی (م ۳۷۱ ه.ق) در سال ۳۵۸ ه.ق به بار نشست و فاطمیان توانستند مصر را فتح کنند. وضعیت آشفته سیاسی و اقتصادی مصر کمک شایان توجهی به تثبیت سردار فاطمی در مصر و غلبه وی بر این سرزمین نمود. فاطمیان اسماعیلی مذهب تا قبل از ورود به مصر در مغرب حکم می‌راندند و از سال‌ها پیش برای تسلط بر این سرزمین تلاش فراوان می‌کردند. آنان برای تثبیت قدرت خود نیاز به کمک ساکنین این سرزمین داشتند، اما به دلیل نفوذ و گسترش مذهب اهل سنت و وجود پایگاه‌های عباسی روند گسترش اسماعیلیه به‌کندی طی می‌شد. وجود کارگزاران اهل ذمه در پیکره دیوانی مصر قبل از فاطمیان، رهبران سیاسی و نظامی فاطمیان مانند جوهر صقلی (م ۳۷۱ ه.ق) را متمایل به اهل ذمه نمود و یعقوب بن کلس (م ۳۸۰ ه.ق) در دربار اخشیدیان صاحب نفوذ و حقیقتاً همه‌کاره بود. خلفا فاطمی سیاست تسامح و تساهل را نسبت به آنان جز در برخی از دوره‌های زمانی در پیش گرفته و آنان را در مهم‌ترین مناصب حکومتی به کار گرفتند.^۱

علت دیگر این تسامح دینی و سیاسی فاطمیان نسبت به اهل ذمه، اسماعیلی مذهب بودن آنان بود. برای همین داعیان اسماعیلی افراد مختلف از نژادها و مذاهب گوناگون مانند شیعه‌ها، سنی‌ها، مسیحیان و یهودیان از هر طبقه و دسته را پوشش می‌دادند.^۲

آن‌ها تعصب و خشک‌اندیشی را رد کرده و کتب مقدس یهود و مسیحیان را مطالعه و به روش خود تأویل می‌نمودند. از فیلسوفان بزرگ فاطمی، حمید الدین کرمانی (۴۱۱ ه.ق) بود که ظاهراً با زبان‌های عبری و سریانی آشنایی داشته و از متون عهد قدیم و

۱. سید، ایمن فؤاد، الدولة الفاطمیه فی مصر، ص ۸۹. سرور، محمد جمال الدین، تاریخ الدوله الفاطمیه، ص ۸۱. طقوش، محمد سهیل، تاریخ الفاطمیین من شمالی افریقیة و مصر و بلاد الشام، ص ۲۱۸-۲۱۹. حسن محمدصالح، التشیع المصری الفاطمی جزء الثالث، اشعاع و حضاری مثنان و عشر سنوات من الابداع الانسانی، ص ۳۲۰.

۲. لوئیس برنارد، تاریخ اسماعیلیان، ص ۱۱۸.

جدید استفاده گسترده و فراوان نموده است.^۱ هم‌چنین می‌توان از جعفر بن منصور الیمانی نام برد که از صائبین، به‌عنوان مؤمنین به خدا سخن گفته و چنین بیان می‌دارد که یهودیان و مسیحیان و معتقدین به هر نوع مذهب که به خدا و قیامت قائل‌اند و کارهای نیک انجام داده و از خدا اطاعت می‌کنند، جایشان در بهشت خواهد بود.^۲

دانشمندان اتفاق‌نظر دارند که پیروزی و موفقیت فاطمیان به میزان زیادی ناشی از تسامح و رواداری نژادی و دینی و ثبات اداری آن‌ها بوده است. در حقیقت آنان استعداد خاصی در به کار گرفتن افراد و گروه‌های مستعد و باکفایت، صرف‌نظر از نژاد یا مذهب آن‌ها، داشتند.^۳

فاطمیان تا قبل از ورود به مصر در اداره حکومتشان از اهل ذمه بهره نمی‌بردند، اما با وارد شدن به این سرزمین، با به‌کارگیری تسامح و تساهل دینی و سیاسی، یهودیان و مسیحیان بسیاری به‌عنوان وزیر و کارگزار در پیکره امور سیاسی فاطمیان قرار گرفتند.^۴

آن‌ها در برخورد با کارکنان و عمال، تفاوت و تبعیضی میان مسلمان و غیرمسلمان قائل نمی‌شدند و ارزش و قدر هرکسی را به نسبت خدمت خوب و رعایت مصالح حکومت و ملت مصر می‌سنجیدند. اگر یک قبطی، توانایی آن را داشت که واسطه یا وزیر، فرمانده نظامی یا مشاور شود، چنین امکانی برای او میسر بود. این تسامح تا آنجا بود که گاه تمام امور مالی و تشکیلات فاطمیان در دست اهل ذمه قرار گرفت و اهل ذمه تنها در اموری خاص اجازه تصدی نیافتند که از جمله آن‌ها مقام‌ها و سمت‌های مستوفی

۱. همان، ص ۱۱۹.

۲. همان، ص ۱۱۱.

۳. همان، ص ۱۱۲.

۴. حسن محمد صالح، التشیع المصری الفاطمی، جزء الثالث، ص ۱۶. حمدانی، عباس، اسماعیلیان در تاریخ، ترجمه یعقوب آژند و جمعی از نویسندگان، تهران، انتشارات مولی، چاپ اول، ۱۳۶۳ هـ. ش، ص ۲۵۱.

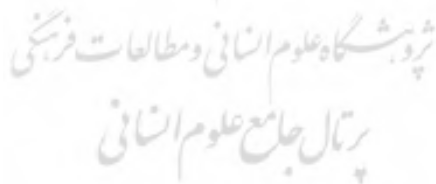
(امور مالی)، دیوان جیش^۱ و دیوان رواتب^۲ بود.^۳ این امر بدان علت بود که برای مثال مقام قاضی القضاة مقامی بود که باید یک مسلمان آن را بر عهده می‌گرفت تا بتواند با آگاهی و تسلط کامل بر احکام شرعی، عدالت را در جامعه برقرار کند؛ اما هنگامی که مقام وزارت در دست یک وزیر قدرتمند و مسلط بر خلیفه می‌افتاد، او حتی بر دیوان‌های قضاوت، اشراف الطالبین (نقابت)، جیوش و غیره که زیر نظر مستقیم خلیفه بودند نیز دست‌یافته و مستوفیان این دیوان‌ها توسط او انتخاب می‌شدند که بعضاً از اهل ذمه بودند، مانند وزارت بدر الجمالی ارمنی و پسرش افضل.^۴

در ادامه به بررسی وضعیت سیاسی مسیحیان در حکومت فاطمیان مصر (۳۶۲-۵۶۷ ه.ق) می‌پردازیم اما به دلیل تعداد زیاد حاکمان این دوره، به چهار حاکم اکتفا شده است.

جایگاه سیاسی مسیحیان در عصر فاطمیان

مسیحیان و خلفای فاطمی

در این بخش به معرفی چهار خلیفه از خلفای حکومت فاطمیان که با مسیحیان ارتباط داشتند، می‌پردازیم.



۱. ابو محمد مرتضی عبد السلام بن الحسن القیسرانی ابن طویر، نزهة المقلتین فی اخبار الدولتین، اعاده ببناء و حقه و قدم له ایمن فواد سید، بیروت، دار النشر فرانتس شتاینز شتوتگارت، الطبعة الاولى، ۱۴۱۲ هـ ق. ۱۹۹۲ م، ص ۸۲، ۲۳۸.
۲. دیوان رواتب مأمور به پرداخت عطایای سربازان و افراد غیرنظامی بوده است. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، ج ۲، ص ۲۴۲.
۳. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، ج ۲، ص ۲۷۷.
۴. حسن محمد صالح، التشیع المصری الفاطمی، جزء الثالث، ص ۲۳۳. ناصری طاهری، عبدالله، فاطمیان در مصر، ص ۱۱۸.

المعز لدين الله (۳۶۲-۳۶۵ ه.ق): هنگامی که المعز لدين الله به حکومت اخشیدیان خاتمه داد و بر مصر تسلط یافت، یعقوب بن کلس (۳۸۰ ه.ق) در معیت او وارد مصر شده و نظام مالی حکومت فاطمی در مصر را عهده‌دار شد.^۱

یعقوب بن یوسف بن ابراهیم بن هارون بن کلس، ملقب به ابوالفرج وزیر، در سال ۳۱۸ ه.ق در بغداد به دنیا آمد او با پدرش به شام رفت. بعد از مدتی از شام خارج شده و در رمله سکونت یافت.^۲ در آنجا او سردفتردار شد و اموال تجار را از بین برده و مقروض و مدیون بسیاری شده و متواری گشت.^۳ او به مصر نزد کافور اخشیدی آمده و در دیوان‌ها به مقام بلند پایه‌ای رسید. وقتی کافور زیرکی و سیاست او را در تجارت و امور اداری مشاهده کرد، به او وعده داد که اگر مسلمان شود، او را وزیر خود می‌کند. یعقوب نیز به طمع وزارت اسلام آورده اما مرگ کافور در سال ۳۵۷ ه.ق باعث شد آرزوی او محقق نشده و امور به دست وزیرش ابن فرات بیافتد. ابن فرات هم به خاطر دشمنی و طمع در اموال یعقوب، او را دستگیر و زندانی نمود. ابوالفرج بعد از مدتی با شفاعت یکی از

۱. ابو بکر بن عبدالله بن ایبک الدواداری، کنز الدرر و جامع الغرر الجزء السادس الدرّة المضيئه فی اخبار الدوله الفاطميه، ج ۶، ص ۶۷۸. دفتری، فرهاد، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات فرزانه، چاپ اول، ۱۳۷۵ ه.ش، ص ۲۰۶.

۲. ابن مسیر، اخبار مصر القاهره، ج ۲، ص ۴۵. ابو فلاح عبدالحی بن احمد ابن العماد الحنبلی ابن العماد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، بیروت، دار المسیر، ۱۹۷۹ م، ص ۹۷.

۳. ابن الصیرفی، الاشارة الی من نال الوزارة، القاهرة، المطبعة المعهد العلمی الفرنسی، ص ۷۳. انطاکی، صلة تاریخ أوتیخا، ص ۱۳۹. ابن ظافر، جمال الدین علی، اخبار الدول المنقطعه، مقدمه و تعقیب آندریه فریه، القاهرة، مطبوعات المعهد العلمی الفرنسی للاکتار الشرقيه بالقاهره، ۱۹۷۲ م، ص ۳۸-۳۹. ابن خلکان ابو العباس شمس الدین احمد بن محمد بن ابی بکری، وفيات الأعیان فی أبناء أبناء الزمان، بیروت، دار صادر، ۱۳۵۶ ه.ش. ۱۹۷۲ م، ج ۲، ص ۴۴۲. دواداری، کنز الدرر و جامع الغرر، الجزء السادس، الدرّة المضيئه فی اخبار الدوله الفاطميه، ج ۶، ص ۲۲۷-۲۲۶. عماد الدین ادریس بن حسن القرشی، عیون الأخبار فی فنون الآثار، تحقیق و تقدیم مصطفی غالب، بیروت، دار الأندلس، ۱۹۸۶ م، ج ۶، ص ۲۵. ابو فلاح عبدالحی بن احمد ابن العماد الحنبلی ابن العماد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ص ۹۷. طقوش، محمدهسهیل، تاریخ الفاطمیین من شمالی افریقیه و مصر و بلاد الشام، ص ۲۷۰. احمد مختار العبادی، التاریخ العباسی و الفاطمی، الاسکندریه، موسسه شباب الجامعه، ۱۹۸۹ م، ص ۲۸۲. محمد عبدالله عنان، الحاکم بامرالله، سعودی و مصر، مکتبه الخانجی بالقاهره، دار الرفاعی بالرياض، الطبعه الثاني، ۱۴۰۴ ه.ق - ۱۹۸۳ م، ص ۷۸.

دوستانش از زندان آزادشده و به مغرب نزد المعز لدین الله پناه برد. او خلیفه فاطمی را از وضعیت نابسامان و آشفته مصر آگاه کرده و خلیفه را به فتح آن سرزمین تشویق نمود.^۱

فاطمیان هنگامی که در افریقیه بودند، نظام وزارت نداشتند، ولی پس از ورود به سرزمین مصر و لزوم ارکان دیوانی و البته به تقلید از حاکمان پیشین مصر این مقام را ایجاد نمودند. المعز لدین الله بعد از تکیه زدن به اریکه خلافت در مصر در سال ۳۶۵ ه.ق، تصدی دیوان‌های اداری و مالی دستگاه خلافت فاطمی را به یعقوب بن کلس و عسلوج بن حسن سپرد.^۲ بدین نحو همه امور دیوان‌ها در دست یعقوب بن کلس قرار گرفت.^۳

خلیفه در دستگاه حکومتی خود مقامی به نام وزارت ایجاد نکرد، درحالی که ابن کلس در عمل صاحب این مقام بود. یعقوب بن کلس قبل از تسلط فاطمیان؛ اداره خراج، احباس (اوقاف)، حسبه (مراقبت از بازار)، سواحل^۴، اعشار^۵، جوالی^۶، موارث (اموال بی وارث)، شرطه^۷ و دیگر دیوان‌ها را در دوره حکومت کافور بر عهده داشت.^۸ از آنجایی که فاطمیان، شیعه اسماعیلی بودند و اساس نظام مرکزی حکومت

۱. محمد عبدالله عنان، الحاکم بامرالله، ص ۷۸.

۲. ابن میسر، اخبار مصر، ج ۲ ص ۴۵. دوادری، کنز الدرر و جامع الغرر، الجزء السادس، الدرّة المضیبه فی اخبار الدوله الفاطمیه، ج ۶، ص ۱۳۱. مقریزی، اتعاظ الحنفاء باخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء، ج ۱، ص ۱۴۴.

۳. مقریزی، اتعاظ الحنفاء باخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء، ج ۱، ص ۳۲۵.

۴. نوعی مالیات است که از نواحی ساحلی هم چون اسکندریه، دمياط، فرما و... گرفته می شد. مآجد، عبدالمنعم، نظم الفاطمیین و رسومهم فی مصر، ج ۱، ص ۱۱۹.

۵. مالیاتی که از کالاهای تجاری مسلمانان اخذ می شد. مآجد، عبدالمنعم، نظم الفاطمیین و رسومهم فی مصر، ج ۱، ص ۱۱۸.

۶. جوالی: جزیه‌های که حکومت اسلامی بر اهل ذمه واجب کرده که پرداخت آن تنها بر مردان بالغ واجب بود، در دوره فاطمیان از آنجایی که اکثریت مصریان مسلمان شده بودند، جزیه کمی جمع‌آوری می شد و قلقتندی در کتاب خود این دیوان را جوال نامیده است. ابو العباس احمد بن علی القلقشندی، صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، قاهره، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، بی تا ص ۴۶۶. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، ج ۳، ص ۱۱-۱۰.

۷. اجرای محاکمات قاضی القضاة را بر عهده داشت و به دو قسم شرطه علیا و سفلی در قاهره و مصر تقسیم می شد. مآجد، عبدالمنعم، نظم الفاطمیین و رسومهم فی مصر، ج ۱، ص ۱۷۴.

۸. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، ج ۳، ص ۱۱-۱۰.

را «امام» یا «خلیفه» تشکیل می‌داد، امام و خلیفه نزد شیعیان اسماعیلی همانند خدا، بر روی زمین صاحب قدرت و سلطه بود. ابن کلس اداره این نظام را به سه بخش تقسیم کرد: اداری، قضائی دعائی (دعوتی) و سپاهی که همگی تحت امر خلیفه (امام) بودند.^۱ ابوالفرج یعقوب بن کلس بعد از تثبیت برخی دیوان‌های دولتی، هم‌کیشان سابق خود و مسیحیان را در دستگاه اداری و مالی فاطمیان وارد کرد و به آنان در بخش‌های مختلف وظایفی محول کرد.^۲

قدرت و تسلط ابن کلس به جایی رسید که به فرمان المعز لدین الله قرار بر این شد که انجام همه امور زیر نظر یعقوب بن کلس انجام گیرد و حتی دیناری بدون امضاء و اجازه و تأیید او خرج نگردد.^۳ اما در سال ۳۶۴ ه. ق المعز لدین الله اموال و املاک یعقوب بن کلس را مصادره نمود و بعد از چند ماه، اموال و املاک آن را بازگردانید.^۴

العزیز بالله (۳۶۵-۳۸۶): نفوذ مسیحیان در عصر العزیز بالله به انتها درجه و بالاترین میزان رسید. وزرا و کاتبان مسیحی به بالاترین مشاغل دولتی دست‌یافته و بیشترین سلطه و نفوذ را بر دستگاه خلافت فاطمی پیدا نمودند. العزیز به خاطر رابطه فامیلی که با مسیحیان و اهل ذمه یافته بود، تسامح زیادی در به‌کارگیری آنان در امور اداری خلافت فاطمی از خود نشان می‌داد. او دو برادرزن مسیحی‌اش را به مقام بطریقی در قاهره و اسکندریه برگزید و به آنان قدرت و نفوذ زیادی اعطا کرد.^۵ همسر

۱. ظافر بن حسین الازدی، اخبار الدول المنقطعه، تحقیق عصام مصطفی هزایمه و محمد عبدالکریم محافظه، دار الکندی للنشر و التوزیع، ۱۹۹۹ م، ص ۴۹. مقریزی، المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۲، ص ۱۰-۱۱؛ مقریزی، اتعاظ الحنفاء باخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء، ج ۱، ص ۱۴۴-۱۴۵. قلقشندی، صبح الاعشى فی صناعة الانشاء، ج ۲۳، ص ۳۵۷.

۲. ابن طویر، نزهة المقلتين فی اخبار الدولتين، ص ۳۲-۳۳.

۳. ابن میسر، اخبار مصر، ج ۲، ص ۲۱. مقریزی، المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۲، ص ۱۱.

۴. مقریزی، اتعاظ الحنفاء باخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء، ج ۱، ص ۴۸. محمد عبدالله عنان، الحاکم بامرالله، ص ۹۲.

۵. همان، ص ۸۷. طقوش، محمد سهیل، تاریخ الفاطميين من شمالی افریقیة و مصر و بلاد الشام، ص ۲۰۲.

حسنی الخربوطلی، علی، العزیز بالله الفاطمی، القاهرة، وزارة الثقافة دار الکتب العربی، ۱۹۶۸ م، ص ۲۳.

العزیز در اداره دیوان‌ها از چنان نفوذی برخوردار بود که حتی اداره دیوان عواید دستگاه خلافت فاطمی را به دست اعضای جوامع مسیحی و یهودی سپرده بود.^۱

یعقوب بن کلس، یک یهودی تازه‌مسلمان بود که خدمات بسیاری به مردم مصر و خلافت فاطمی کرده بود. وی با اصلاح نظام مالیاتی مصر، وضعیت اقتصادی حکومت فاطمی را سروسامان داد و علاوه بر آن تأثیر بسیار زیادی در شکوفایی علمی و فرهنگی خلافت فاطمی داشت.

الحاکم بامر الله (۳۸۶-۴۱۱ ه.ق): ابوعلی المنصور ملقب به الحاکم بأمر الله بعد از مرگ پدر در سال ۳۸۶ ه.ق بر جای او نشست، درحالی‌که یازده سال و نیم بیشتر نداشت. العزیز به برجوان خادم (۳۹۰ ه.ق) که سرپرست امور و شئون قصر خلافت را بر عهده داشت، وصیت کرده بود که امور مملکت را از جانب الحاکم سرپرستی کند. برجوان نیز بعد از مرگ العزیز برای الحاکم بیعت گرفت.^۲

حسن ابراهیم حسن دوران بیست و پنج ساله حکومت الحاکم را به سه دوره تقسیم می‌کند^۳: دوره اول، از سال ۳۸۶ تا ۳۹۰ ه.ق بود که قدرت در دست برجوان خادم و ابن عمار بود؛ دوره دوم، از سال ۳۹۰ تا ۴۰۱ ه.ق که الحاکم بعد از به دست گرفتن قدرت، تعصبات شدیدی را نسبت به مذهب فاطمیان به خرج داده و فشار زیادی را بر اهل ذمه و مسلمانان غیر شیعه وارد نمود.^۴ و دوره سوم، از سال ۴۰۱ تا ۴۱۱ ه.ق که سیاست او همراه

۱. حمدانی، عباس، اسماعیلیان در تاریخ، ص ۱۹۰.

۲. ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۱۵، ص ۲۳۲.

۳. طقوش، محمد سهیل، تاریخ الفاطمیین من شمالی افریقیة و مصر و بلاد الشام، ص ۱۶۶. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذکر الخطط و الآثار، ج ۱، ص ۲۸۷. ابن خلکان، وفیات الأعیان فی أبناء الزمان، ج ۵، ص ۲۹۲.

۴. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذکر الخطط و الآثار، ج ۱، ص ۲۸۷. طقوش، محمد سهیل، تاریخ الفاطمیین من شمالی افریقیة و مصر و بلاد الشام، ص ۲۵۹-۲۶۰.

با تردید و تغییر بود، او در این دوره، دچار پریشانی و اضطراب شده و سرانجام در اواخر عمر خود با صدور یک امان‌نامه، همه فشارها و محدودیت‌ها را از اهل ذمه برداشت.^۱

در دوره اول، الحاکم به سبب کمی سن در اداره امور هیچ اختیاری نداشت و برجوان خادم صاحب اختیار حکومت بود. برجوان خادم تا زمانی که الحاکم قدرت را شخصاً به دست نگرفته بود، تسامح دینی المعز لدین الله و العزیز بالله را ادامه داد.

الحاکم در ۱۶ ربیع الاول سال ۳۸۸ ه.ق در عید فصح مسیحیان به فهد بن ابراهیم مسیحی (۳۹۳ ه.ق) خلعت داد که این خلعت با دو استر که حاوی هزار دینار بود به خانه‌اش حمل شد. هم‌چنین در جمادی‌الاولی همان سال، حکومت غزه و عسقلان را به برادر برجوان اعطا کرد.^۲

الظاهر لإعزاز دین الله (۴۱۱-۴۲۷ ه.ق): خلیفه‌الظاهر لإعزاز دین الله بعد از ناپدید شدن پدر در سال ۴۱۱ ه.ق به خلافت رسید. به دلیل کودکی خلیفه، عمه وی یعنی ست الملک خواهر الحاکم به مدت چهار سال قدرت سیاسی را به دست گرفت.^۳

الظاهر در سال ۴۱۴ ه.ق شیخ نجیب الدولة علی بن نسطورس را از ریاست دیوان احباس عزل و به جای او ابو غالب الضبی مسیحی کاتب را گماشت.^۴

الظاهر لإعزاز دین الله بعد از مرگ ست الملک هنگامی قدرت را به دست گرفت که اوضاع سیاسی مصر آشفته بود. وی همه آنچه را که الحاکم پیش‌تر حرام کرده بود، آزاد نمود. سیاست فشار دینی بر مسیحیان را ملغی کرد. وی با بازگشت به سیاست تسامح

۱. ابن خلکان، وفيات الأعیان فی أبناء أبناء الزمان، ج ۵، ص ۲۹۲.

۲. مقریزی، اتعاض الحنفاء باخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء، ج ۲، ص ۱۸.

۳. کتاب الخریدة النفیسة فی تاریخ الكنيسة، ج ۲، ص ۲۴۸ به نقل از عنان، محمد عبدالله، الحاکم بامرالله، ص ۲۳۱.

۴. تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۸۶، المسبھی، محمد بن عبیدالله، اخبار مصر فی سنتین (۴۱۴-۴۱۵ ه.ق)، تحقیق ویلم ج. میلورد، الهیئة المصریة العامه للکتاب، ۱۹۸۰، ص ۱۸۸. مقریزی، اتعاض الحنفاء باخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء، ج ۲، ص ۱۶۱.

فاطمیان که قبلاً توسط خلفای نخست فاطمی مصر چون المعز لدين الله و العزیز اجرا می‌شد، تلاش در جلب قلوب مسیحیان نمود. به گزارش منابع، او تمام تلاشش را متوجه ترقی در امور کشور و حمایت از وضعیت کشاورزی و اقتصادی کرد.^۱

در این دوران، وزرا و رجال دولتی مسلمان، روابط حسنه‌ای با مسیحیان داشتند و افرادی چون وزیر علی بن احمد، مسیحیان را دوست می‌داشت و نسبت به آنان، با تسامح رفتار می‌کرد. این امر سبب افزایش نفوذ و قدرت مسیحیان در دستگاه حکومتی فاطمیان شد.^۲ الظاهر در اواسط شعبان سال ۴۲۷ ه. ق پس از شانزده سال حکومت درگذشت.^۳

نقش آفرینی و حضور مسیحیان در روابط سیاسی

روابط میان امپراتوری بیزانس و خلافت فاطمی، به دلیل سیاست خشونت‌آمیز الحاکم نسبت به مسیحیان قطع گردیده بود. به همین جهت عمه خلیفه ست الملک تلاش کرد به نمایندگی از خلیفه نورسیده، رابطه میان مصر و بیزانس را تقویت نموده آن را تثبیت کند. بدین منظور نیقفور، بطریق بیت المقدس را به‌عنوان سفیر نزد باسیل دوم امپراتور رم فرستاد تا معاهده صلحی میان دو دولت بسته شود.^۴ او تلاش کرد رفتارهای خشونت‌بار دولت فاطمی نسبت به مسیحیان را توجیه کرده و درصددت‌رمیم مواضع برآید. به دنبال این تصمیم طبق فرامین متعدد اجازه تعمیر و تجدید بنای کلیساهای ویران‌شده را به آن‌ها داد، اما سفیر فرستاده‌شده از طرف ست الملک در

۱. انطاکی، صلة تاریخ اوتیخا، ص ۲۳۵. ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۴، ص ۳۵۲، طقوش، محمد سهیل، تاریخ الفاطمیین من شمالی افریقیة و مصر و بلاد الشام، ص ۱۶۸. محمد عبدالله عنان، الحاکم بامرالله، ص ۲۴۴.
 ۲. ابن مقفع، تاریخ بطاركة الكنيسة المصرية، ص ۶۱-۶۳.
 ۳. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، ج ۲، ص ۱۹۳، تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۸۶.
 ۴. انطاکی، صلة تاریخ اوتیخا، ص ۲۲۸-۲۳۲.

بیزانس درگذشت و فرصتی برای تقویت مناسبات نیافت. این میانجی‌گری‌های بیهوده هرگز از تهاجمات بیزانس در شمال شام تا سال ۴۱۸ ه. ق کم نکرد.^۱

الظاهر بعد از تکیه زدن بر اریکه قدرت سفیری به نزد امپراتوری بیزانس، قسطنتین هشتم برای انعقاد قرارداد صلح فرستاد که این بار سفیر موفق به انعقاد پیمانی بدین قرار شد:

۱- به امپراتوری بیزانس اجازه تجدید بنای دوباره کلیسای قیامت در بیت المقدس داده شود.

۲- به همه مسیحیان اجازه ساخت دوباره کلیساهایی که الحاکم آن‌ها را ویران و یا تبدیل به مسجد کرده بود، داده شود.

۳- مقرر شد امپراتور بیزانس، بطریق بیت المقدس را تعیین نماید.

۴- فاطمیان نباید دست به هیچ عمل خصمانه‌ای نسبت به حلب بزنند و باید جزیه سالانه به بیزانس پرداخت نمایند.

اما طولی نکشید که بیزانسیان در سال ۴۳۳ ه. ق این پیمان صلح را نقض کردند.^۲ با بسته شدن این معاهده صلح و تغییر سیاست خلیفه الظاهر نسبت به مسیحیان، تعداد دیگری از آنان که به علت فشار الحاکم، اسلام آورده بودند، به دین مسیحیت بازگشتند.^۳

۱. همان، ص ۲۳۲-۲۲۸.

۲. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۲، ص ۱۹۲. محمد عبدالله عنان، الحاکم بامرالله، ص ۲۲۷. ناصری طاهری، عبدالله، فاطمیان در مصر، ص ۱۱۷.

۳. انطاکی، صلة تاریخ اوتیخا، ص ۲۲۴. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۲، ص ۱۹۲-۱۹۳. مقریزی، اتعاظ الحنفاء باخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء، ج ۲، ص ۱۷۶؛ طقوش، محمد سهیل، تاریخ الفاطميين من شمالی افریقیة و مصر و بلاد الشام، ص ۲۳۹. سرور، محمد جمال الدین، تاریخ الدوله الفاطمیه، ص ۳۷۵. محمد عبدالله عنان، الحاکم بامرالله، ص ۲۲۷.

در زمان خلیفه فاطمی الامر با حکام الله، افضل شاهنشاه بن امیر الجیوش از مسیحیان بسیاری در اداره دیوان‌ها بهره برد، از جمله آنان شیخ ابوالفضل معروف به ابن اسقف و کاتب الأفضل بودند که افضل آن دورا متولی دو دیوان اموال و دیوان مجلس نمود. افضل هم‌چنین ابوالیمن بن عبدالمسیح را نیز به‌عنوان صاحب دیوان در مصر سفلی انتخاب نمود. افضل، ابو البرکات یوحنا بن ابی لیث مسیحی که بعد از ابن اسقف همه دیوان‌ها را به دست گرفت را متولی دیوان تحقیق نمود. از جمله اقدامات او در زمان کارگزاری اش، تجدید بنای کلیسای ماری سابا^۱ بود.^۲

جایگاه اجتماعی مسیحیان در عصر فاطمیان

با بررسی تاریخ حکومت فاطمیان در مصر می‌توان به‌درستی دریافت که فاطمیان، از آغاز ورود جوهر صقلی سردار المعز لدین الله فاطمی به مصر تا به حکومت رسیدن صلاح‌الدین ایوبی و پایان خلافت فاطمی، علی‌رغم این‌که یک حکومت شیعی منطبق بر تعالیم اسلامی را تأسیس کرده بودند برخی از خلفا فاطمی در برخورد با رعایایشان، میان مسلمان و مسیحی و یهودی یا میان عرب و ترک تفاوتی قائل نبودند و با همه مردم از هر طایفه و نژادی برخوردی یکسان داشتند و هر گروه از آنان در برخی از دوره‌ها در اعتقادات و شعائر دینی و اعیاد و آداب رسومشان از آزادی کامل برخوردار بودند، از این‌رو می‌توان ادعا کرد برخی از خلفا مانند المعز لدین الله توازن اجتماعی را رعایت می‌کردند.^۳

۱. دیر ماری سابا در شهرک العبیدیه در شرق قدس اشغالی؛ تحفه‌ای هنری و نماد زیبایی و لطافت است. این معبد را که راهب سابا در سال ۴۷۸ میلادی بنا کرد قدیمی‌ترین معبد در فلسطین و از قدیمی‌ترین معبدهای جهان است که در داخل کوهی درکوه‌پایه‌ای در کرانه باختری بنا نهاده شده است. سالانه هزاران گردشگر و مسیحی از سراسر جهان برای بازدید از این معبد به فلسطین اشغالی می‌آیند.

۲. دیوان تحقیق یا دیوان مجلس: دیوانی است که موضوع کارش سنجش دیوان‌ها است و متولی آن باید کاتبی خیره می‌بود. ابن میسر، اخبار مصر، ج ۲، ص ۳۲-۷۷. مقریزی، انعاظ الحنفاء باخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء، ج ۳، ص ۳۹، فلقشندی، صبح الأعشى، ج ۳، ص ۳۹۸.

۳. ابراهیم ایوب، التاريخ الفاطمی الاجتماعي، لبنان، الشركة العالمیه للکتب، ۱۹۹۷ م، ص ۱۴۳.

در حکومت فاطمیان در اکثر مواقع تفاوت چندانی میان مسلمان و غیرمسلمانان نبود. بهبود وضع اجتماعی غیرمسلمانان آنان را قادر ساخت علاوه بر نفوذ و سیطره در دستگاه حکومتی فاطمیان و کسب ثروت‌های هنگفت، از جایگاه اجتماعی مناسبی برخوردار شده و حتی پا فراتر نهاده و نسبت به مسلمانان تفاخر نشان دهند. این شرایط سبب نارضایتی مسلمانان مصر شده و در برخی از مقاطع زمانی موجب صدور فرمان‌هایی از طرف خلفا و یا وزرا برای محدود کردن آنان شد. برگزاری اعیاد مذهبی و سنتی قبطیان نیز از اهمیت زیادی برخوردار بود و فاطمیان با تسامحی که داشتند در برخی از این جشن‌ها شرکت می‌نمودند؛ در برخی از اعیاد، دیوان‌های اداری و مالی، دستگاه مالی را تعطیل رسمی می‌کردند^۱، مسلمانان مصر هم در کنار هم‌وطنان قبطی خود در این جشن‌ها حضور می‌یافتند؛ اما برخی اوقات خلفا برای جلوگیری از فسق و فجوری که در این جشن‌ها رخ می‌داد برای آن‌ها محدودیت‌هایی قرار می‌دادند و یا مانند الحاکم بامر الله فاطمی به‌طور کلی آن را ممنوع می‌کردند.^۲

زندگی اجتماعی مسیحیان در عصر فاطمیان

ساکنین مصر شامل اقوام و نژادهای گوناگون مانند قبطیان، رومیان، اعراب، اکراد، دیلمیان، حبشیان و دیگر اقوام بود. مقدسی در نیمه دوم قرن چهارم و هنگام سفر به مصر چنین بیان می‌دارد که: «ذمیان مسیحی مصر را قبطی نامند و یهودیان نیز تعدادشان اندک است».^۳

۱. حسن محمد صالح، التشیع المصری الفاطمی، جزء الثالث، ص ۲۵.

۲. ابراهیم ایوب، تاریخ الفاطمی الاجتماعی، ص ۱۴۴.

۳. ابو عبدالله محمد بن احمد بن البناء المعروف بالبشاری المقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، وضع مقدمته و هوامشه و فهارسه محمد مخزوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۷ م، ص ۲۰۱-۲۰۲.

اقباط در عصر فاطمی، اقلیتی از ساکنان مصر را تشکیل می‌دادند. ولایت صعید بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سرزمینی بود که اقباط در آن سکونت داشتند.^۱ در مصر سفلی نیز برخی از روستاها اکثر ساکنانش را مسیحیان تشکیل می‌دادند.^۲

هنگامی که مراکز صنعتی و تجاری مصر مورد بررسی قرار می‌گیرد، آشکار می‌شود که بسیاری از اهل ذمه در این مراکز سکونت داشتند مانند شهر تنیس که ناصر خسرو ساکنین آن را پنجاه هزار نفر ذکر کرده که بیشتر آن اقباط بودند.^۳ هم‌چنین مردم شهر دمیاط که در ساحل نیل سکونت داشتند از اقباط بودند.^۴

از روستاهای مهم صنعتی، «شطا» نام داشت که بین تنیس و دمیاط واقع شده و بیشتر ساکنین آن نساجان قبطی بودند.^۵ از جمله شهرهای بسیار مهم صنعتی و تجاری عصر فاطمی که بیشتر ساکنان آن‌ها را اقباط تشکیل می‌دادند اسیوط و اخمیم بودند.^۶ اگرچه منابع، تعداد دقیق اهل ذمه این دوره را گزارش نکرده‌اند، اما واضح است که مسیحیان مصر اقلیتی بزرگ را تشکیل داده و حدود یک‌سوم جمعیت مصر را شامل می‌شدند.^۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله جامع علوم انسانی

۱. غرس الدین، خلیل (۱۸۹۳)، زبده کشف الممالک و بیان الطرق و المسالك، طبعه پاریس، ص ۲۳.
۲. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۲، ص ۲۹.
۳. ناصر خسرو قبادیانی، سفر نامه ناصر خسرو، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران کتاب فروشی زوار، ۱۳۵۷ هـ. ش، ص ۳۹.
۴. مقدسی، احسن التقاسیم، ص ۲۰۱-۲۰۲.
۵. همان، ص ۲۰۲.
۶. زکی محمدحسن، کنوز الفاطمیین، بیروت، دار الرائد العربی، ۱۹۸۱ م، ص ۱۱۶.
۷. عبد المنعم ماجد، ظهور الخلافة الفاطمیه و سقوطها فی مصر التاریخ السیاسی، الاسکندریه، دارالمعارف مصر، الطبعه الثانیه، ۱۹۷۶ م، ص ۲۹۰.

جایگاه اجتماعی رجال و بزرگان

سیاست تسامح دینی فاطمیان در مورد اهل ذمه تأثیر زیادی در تغییر جایگاه اجتماعی آن‌ها در جامعه مصر داشت. جایگاه اجتماعی مسیحیان تابع عواملی از جمله مناسبات سیاسی و مباحث اقتصادی بود. از این‌رو، وزرا، کاتبان، پزشکان، صنعتگران، تجار و ملاکان بزرگی از مسیحیان در حکومت فاطمیان مصر مشغول به کار بوده و صاحب‌مقام‌های مهم و جایگاه بالای اجتماعی بودند و آنان در دستگاه حکومت فاطمی به مال‌اندوزی پرداخته و خلفای فاطمی نیز به خاطر خدمات برجسته آنان، عطایای بسیاری که شامل اموال و کالای نفیس و املاک بسیاری بود به آنان می‌بخشیدند. این امر بر ثروت و مکنت آنان می‌افزود.^۱ مسیحیان؛ املاک و اموال بسیار و قصرهای مجلل همراه با خدم‌وحشم بسیاری داشتند. این قصرها مملو از اشیاء و اثاثیه‌ها و گنجینه‌های گران‌بها بود.^۲

فاطمیان و به خصوص المعز لدین الله به‌عنوان اولین خلیفه فاطمی مصر علاوه بر تسامح سیاسی در اداره دستگاه خلافت در به‌کارگیری نخبگان اهل ذمه به‌ویژه در انتخاب پزشکان دربار نیز سیاست تسامح را در پیش گرفتند. خلفای فاطمی به بسیاری از پزشکان مسیحی خود جهت اکرام و تشویق به خاطر معالجات موفقشان، اموال و هدایای گران‌بهایی می‌بخشیدند.^۳

علاوه بر پزشکان؛ دانشمندان و علمای غیرمسلمان نیز جایگاه رفیعی را نزد این خلیفه فاطمی به دست آوردند. سعید بن بطریق - کشیش قبطی اسکندریه - از جمله

۱. مقریزی، اتعاض الحنفاء باخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء، ج ۱، ص ۲۵۲.

۲. ابن مقفع اسقف اشمونین الساورس، تاریخ البطاركة الكنيسة المصرية، المعروف بسیر البيعة المقدسة، نشر: یسی عبدالمسیح و عزیز سورنال عطیة و بومستر و أنطوان ضاهر، القاهرة، جمعية الآثار القبطية ۱۹۵۹-۱۹۷۴ م، ج ۳، ص ۴۴. قاسم عبده قاسم، اليهود فی مصر، ص ۸۹.

۳. علی بن یوسف القفطی، تاریخ الحکماء و هو مختصر الزوزنی من کتاب اخبار العلماء باخبار الحکماء، فرانکفورت، معهد تاریخ العلوم العربیة و الاسلامیة ۱۳۷۸ هـ. ق. ۱۹۹۹ م، ص ۴۳۸.

این دانشمندان بود که چندین اثر در زمینه‌های مختلف علمی تألیف کرده و مورد توجه و حمایت المعز لدین الله قرار داشت.^۱

المعز لدین الله حتی به مسیحیان اجازه داد علناً با علمای مسلمان به مباحثه و مناظره بپردازند. او حتی اجازه تعمیر کلیسای ویران شده سن مرکوریوس^۲ در فسطاط را از محل وجوه خزانه دولت داد.^۳

پزشکان نیز در دربار العزیز بالله فاطمی مانند المعز لدین الله از جایگاه مهمی برخوردار بودند. پزشک مخصوص العزیز - ابوالفتوح منصور بن سهلان بن مقشر مصری - مسیحی بود. او از نزدیکان خلیفه العزیز بالله و الحاکم بامر الله فاطمی بود که در دربار این دو خلیفه صاحب نفوذ و طرف مشورت آنان بود.^۴ او از چنان نفوذی برخوردار بود که توانست بعد از زندانی شدن و مصادره اموال عیسی بن نسطورس و منشأ یهودی، آن‌ها را با تقاضای خود آزاد کرده و عیسی بن نسطورس را به مقام خود بازگرداند.^۵

ابومنصور نزار العزیز بالله نیز مانند پدرش تسامح زیادی نسبت به ذمیان به خصوص مسیحیان داشت. علت این امر، ازدواج العزیز با یک زن مسیحی بود. نفوذ آن زن موجب تقویت جایگاه هر چه بیشتر مسیحیان در این دوره شد. العزیز دو برادر زنش را به نام‌های اورستس^۶ و آرسینوس^۷ در سال ۳۷۵ ه. ق به‌عنوان بطریق

۱. مقریزی، اتعاض الحنفاء باخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء، ج ۱، ص ۱۹۵. حمدان، عباس، اسماعیلیان در تاریخ، ص ۱۸۷.

2. Mercurius.

۳. تأمر، عارف، موسوعه التاریخیه، ج ۲، ص ۲۰۳. ممتحن (۱۳۷۱). نهضت قرمطیان، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ص ۳۰۹.

۴. ابن ابی اصیبعه، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، ص ۱۹، محمد عبدالله عنان، الحاکم بامرالله، ص ۳۶۴.

۵. انطاکی، تاریخ صله اوتیخا، ص ۱۸۲، مقریزی، اتعاض الحنفاء باخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء، ج ۱، ص ۲۸۱-۲۹۳.

6. Orestes.

7. Arsenis.

ملکانی اورشلیم در بیت المقدس و بطریق بزرگ شهر قاهره انتخاب نمود. این خویشاوندی در سیاست العزیز در مورد مسیحیان ملکانی تأثیر زیادی گذاشت به نحوی که طایفه ملکیه قدرت یافته و برخی از کلیساهای یعقوبی را تصرف کردند. این دو راهب به واسطه حضور خواهرشان به عنوان همسر العزیز نفوذ فراوانی در دربار فاطمی یافتند.^۱ علاوه بر این، العزیز نسبت به بطریق شصت و دوم کلیسای قبطی نیز، علی رغم مخالفت مسلمانان، رفتاری دوستانه داشته و با حمایت العزیز، کلیسای قدیس مرکوریوس معروف به ابی سیفین در نزدیکی فسطاط و کلیسای المعلقه در قصر الشمع را بازسازی کرد.^۲

ابو صالح ارمنی ذکر کرده که یکی از مسیحیان مصر که المعلم سرور الجلال نام داشت صاحب مال و مقام بوده و روابط نزدیکی با خلیفه المستنصر بالله داشت. او در زمان برگزاری جشن‌ها با خلیفه همراه می‌شد و انواع شیرینی‌ها، نوشیدنی‌ها و غذاهای لذیذ را به خلیفه تقدیم می‌کرد و خلیفه نیز نیازهایش را مرتفع می‌نمود.^۳

بطریق‌های مسیحی نیز در این دوره از جایگاه بالایی نزد خلفای فاطمی، برخوردار بوده و بارها با نفوذ خود به عنوان بطریق نزد دولت‌های مسیحی همسایه مشکلات فاطمیان را حل نموده یا به عنوان سفیر فاطمیان، پیمان‌هایی برای فاطمیان منعقد می‌کردند. برای مثال در دوره حکومت الظاهر، بعد از مرگ بطریق اریسطیس، بطریق بیت المقدس و دایی ست الملک، برای انعقاد پیمان صلح و اعلام رفع محدودیت‌ها بر اهل ذمه به بیزانس فرستاده شدند. الظاهر در سال ۴۱۸ ه. ق برای عقد قرارداد صلح، بطریق نقفور و بطریق بیت المقدس را به بیزانس فرستادند که موفق به انجام آن شدند.

۱. ارمنی، ابوصالح، کنائس و ادیره مصر، ص ۴۵. محمد عبدالله عنان، الحاکم بامرالله، ص ۸۷. دفتری، فرهاد، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۲۱۵. علی حسنی الخربوطلی، العزیز بالله فاطمی، ص ۳۴.
 ۲. مقریزی، تاریخ الأقباط، ص ۴۷. دفتری، فرهاد، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۲۱۵. علی حسنی الخربوطلی، العزیز بالله الفاطمی، ص ۳۴.
 ۳. ارمنی، ابوصالح، کنائس و ادیره مصر، ص ۳۲.

قوانین و محدودیت‌های اجتماعی

این نکته قابل توجه است که در عصر خلفای فاطمی، مسیحیان دچار محدودیت‌ها و فشارهای زیادی شدند اما این محدودیت‌ها در برابر آزادی دینی، ثروت و کسب جایگاه بالایی اجتماعی که به دست آوردند، قابل اغماض است. از جمله این محدودیت‌ها، مصادره اموال اهل ذمه بود که این اقدام خلفا به دلیل طمع و چشم‌داشت به ثروت فراوان آنان نبود بلکه به دلیل جمع‌آوری نامشروع ثروت، سوءاستفاده‌های اداری، مالی، ظلم و فشار توسط وزرا و رجال مسیحی بر مردم مصر بود.^۱

ثروت، سیطره وزرا، دیوانیان و رجال ذمی در دستگاه دولت فاطمی سبب شد آنان علاوه بر قدرت و نفوذ، از پایگاه اجتماعی بالایی برخوردار شوند چنان‌که لباس‌های گران‌بها همچون لباس رجال مسلمان دربار بپوشند و بر اسب‌ها و استرهای اصیل و گران‌بها با زین‌ها و لگام مرصع سوار شوند.^۲ بدین ترتیب آنان برای خود مقامی بالاتر از مسلمانان قائل بودند و در برابر آنان فخر می‌فروختند و حتی صدایشان را بر مسلمانان با کبر و غرور بالا می‌بردند.^۳ این امر سبب شد مسلمانان مصر اعتراض کرده و نسبت به سیاست خلفا نسبت به اهل ذمه اعلام نارضایتی کنند. الحاکم فاطمی برای جلب رضایت مسلمانان مصر، فرمان‌هایی مبنی بر ایجاد محدودیت و فشار بر اهل ذمه صادر کرد. اهل ذمه در دولت اسلامی از زمان فتوحات با تکیه بر شرع و قوانین صادره از خلیفه دوم - عمر بن خطاب - به رعایت برخی از محدودیت‌های اجتماعی ملزم شدند. این قوانین به «عهد العمری» یا «الشروط العمریة» نامیده شده و منسوب به خلیفه عمر بن خطاب بود. این محدودیت‌ها در زمان الحاکم بازگشت و اهل ذمه ملزم به پوشیدن غیار^۴ شدند و یهودیان ملزم بودند بر کتف لباسشان تکه‌ای پارچه قرمز یا

۱. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۱، ص ۲۶۶.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۶۶.

۳. بارتولد (۱۹۵۲)، تاریخ الحضارة الاسلامیه فی القرن الرابع الهجری، القاهرة، بی‌نا، ص ۲۴.

۴. نوعی لباس بود که اهل ذمه ملزم به استفاده از آن بودند تا از مسلمانان، تشخیص داده شوند. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۲، ص ۶۷۸.

زردرنگ الصاق کنند و بدین وسیله خود را از سایر شهروندان جدا نمایند. مسیحیان باید که کمرشان زنار بسته و بر گردنشان صلیب می‌آویختند و هنگام ورود به حمام برای مشخص شدن از مسلمانان، ملزم به آویختن حلقه‌ای آهنی یا مسی و یا سربی بر گردن خود بودند.^۱ هم‌چنین به اهل ذمه دستور داده شده بود که صدای ناقوس‌هایشان و خواندن کتاب‌های دینی‌شان بلند نشود و ساختمان‌هایشان را بالاتر از ساختمان‌های مسلمانان نسازند.^۲ آن‌ها از شرب خمر و آشکار کردن صلیب‌ها و خوک‌هایشان در ملاءعام منع شدند. دفن امواتشان پنهانی بود و گریه و زاری برای مرده، آشکارا و با صدای بلند ممنوع بود. آن‌ها هم‌چنین نباید بر اسب، سوار می‌شدند.^۳

برخی از این محدودیت‌ها مربوط به «عهد العمری» یا «شروط العمریة» بود که در دوره فتوح اسلامی در مورد اهل ذمه صادر و اجرا شد. در اغلب اوقات حکام و الیان، مسیحیان را ملزم به این شروط نمی‌کردند مگر در صورت فشار یا جنگ‌ها. شروطی که «شروط المستحبة» نامیده می‌شدند وجود داشت که فقها در دوره‌های بعدی بر اهل ذمه واجب کردند و جزء شروط دوره پیامبر اسلام نبوده است.^۴

با ورود فاطمیان به سرزمین مصر و استقرار آن‌ها، تنها جوهر قبل از ورود المعز لدین الله به مصر در سال ۳۶۱ ه.ق برای ذمیان محدودیت قائل شده و فرمان داد که یهودیان و مسیحیان غبار پوشیده و در جامعه با آن‌ها ظاهر شوند.^۵ دو خلیفه المعز لدین الله و العزیز بالله برای اهل ذمه هیچ‌گونه محدودیتی در لباس، سوار شدن بر اسب و به‌کارگیری اهل ذمه نزد مسلمانان قائل نشدند و سیاستی همراه با تسامح داشتند.

۱. همان.

۲. عبده قاسم، قاسم، یهود فی مصر، ص ۲۰-۲۱.

۳. همان، ص ۲۱.

۴. محمد عبدالله عنان، الحاکم بامرالله، ص ۹۶. عبده قاسم، قاسم، یهود فی مصر، ص ۲۱.

۵. مقریزی، اتعاض الحنفاء باخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء، ج ۱، ص ۱۳۲.

الحاکم بامر الله - خلیفه فاطمی - در دوره اول حکومت خود - مانند پدر و جدش - تسامح زیادی نسبت به اهل ذمه نشان می‌داد و نزد مردم مصر بسیار محبوب بود. او حتی در جشن‌ها و اعیاد مسلمانان و مسیحیان با مردم همراه می‌شد^۱. ولیکن با آغاز دوره دوم حکومتش هنگامی که موفق شد وزیر قدرتمند خود بر جوان خادم را کنار زند و قدرت را به دست گیرد در سال ۳۹۳ ه.ق در طی چند فرمان، محدودیت‌های شدیدی را برای اهل ذمه صادر کرد.

گفته می‌شود علت این سخت‌گیری‌ها که در نهایت افراط صورت گرفت این بود که وزرا، کاتبان و دیوانیان مسیحی قدرت را در انحصار خود درآورده و با سوءاستفاده از موقعیت خود، مسلمانان را از اداره امور کنار زده و هم‌کیشان خود را به جای آنان گماشته بودند؛ از طرف دیگر ثروت بسیاری جمع‌آوری کرده و با لباس‌های فاخر بر مسلمانان فخر می‌فروختند. آن‌ها، غلامان و کنیزهای مسلمان را برای خود خریداری کرده و به گسترش و تجدید بنای دیرها و کلیساهای خود می‌پرداختند. این شرایط باعث شده بود مسیحیان از چنان نفوذ و سیطره‌ای بر دستگاه خلافت فاطمی برخوردار شوند که بیم آن می‌رفت که حکومت شیعی و مسلمان فاطمی تبدیل به حکومتی مسیحی شود. مردم مسلمان مصر از تسامح خلفای قبل از الحاکم ناراضی بوده و بارها به آنان اعتراض نمودند^۲. مردم مسلمان مصر از خلفای فاطمی به خاطر به کار گرفتن مسیحیان و یهودیان در اداره دستگاه خلافت ناراضی بودند. «الحاکم» برای جلب اعتماد دوباره مردم و به دست آوردن پایگاه در میان مسلمانان و برای جلوگیری از سوءاستفاده‌ها و خودسری‌ها در امور و تفاخر اهل ذمه بر مسلمانان، محدودیت‌هایی را برای اهل ذمه

۱. هالم، هاینتس، فاطمیان و سنت‌های تعلیمی و علمی آنان، ص ۴۷. طقوش، محمد سهیل، تاریخ الفاطمیین من شمالی افریقیه و مصر و بلاد الشام، ص ۲۷۵.

۲. ابی القاسم عبدالرحمن بن عبدالله عبدالحکم بن اعین القرشی المصری، فتوح مصر و اخبارها، ص ۱۵۱. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۴، ص ۳۹۹. محمد عبدالله عنان، الحاکم بامرالله، ص ۱۳۷.

مصر ایجاد نمود و این محدودیت‌ها تنها شامل حال خیابره (یهودیان خیبر)^۱ نشد. او زمین را برای مشخص شدن از مسلمانان، ملزم به پوشیدن غبار کرد که این مربوط به «شروط العمریه» بود ولیکن الحاکم علاوه بر الزام «شروط العمریه»، خود محدودیت‌های دیگری را علاوه بر سایر قوانین اهل ذمه افزود.^۲

در نیمه اول ماه محرم سال ۳۹۵ ه. ق الحاکم فرمانی را مبنی بر الزام اهل ذمه به بستن زنار به کمرهایشان و قرار دادن عمامه‌های سیاه بر سر که علامت عباسیان بود صادر کرد. این فرمان به همه نقاط مصر فرستاده شد. ذمیانی که در دستگاه حکومت فاطمی بودند نیز به اجرای این فرمان ملزم شدند.^۳

او در این سال، فرمان انهدام کلیسای قمامه^۴ را صادر کرد. مسیحیان این مکان را محل دفن مسیح عليه السلام دانسته و هر ساله به زیارت آن می‌رفتند.^۵ برخی مورخان از جمله مقریزی ذکر کرده‌اند که در سال ۳۹۸ ه. ق الحاکم، مسیحیانی را مشاهده کرد که گروه‌گروه به سمت بیت المقدس سفر می‌کنند، علت را جو یا شد، گفتند که اقباط بنا بر رسم هر ساله‌شان برای شرکت در عید فصح (عید پاک) با هدایای گران‌بها به

۱. خیابره: یهودیانی که اصلشان به خیبر می‌رسید. آنان کسانی بودند که عمر بن خطاب از شبه جزیره به مصر مهاجرت داد. محمد عبدالله عنان، الحاکم بامرالله، ص ۹۶.

۲. عبد المنعم ماجد، ظهور الخلافة الفاطمیه و سقوطها فی مصر التاریخ السیاسی، ص ۳۵۴.

۳. انطاکی، صلة تاریخ اوتیخا، ص ۱۸۷. ابن اثیر، الكامل، ج ۱۶، ص ۳۴. دواداری، کنز الدّرر و جامع الغرر، الجزء السادس، الدرّه المصنیه فی اخبار الدوله الفاطمیه، ج ۶، ص ۲۹۳. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، ج ۴، ص ۷۲-۷۴. مقریزی، تاریخ الأقباط، ص ۱۱۱. مقریزی، اتعاظ الحنفاء باخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء، ج ۲، ص ۸۱. ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۴، ص ۱۷۹. طقوش، محمد سهیل، تاریخ الفاطمیین من شمالی افریقیه و مصر و بلاد الشام، ص ۲۰۷.

۴. کلیسای قمامه که به قبر مقدس نیز معروف بود، در خارج اسوار بیت المقدس بنا شده است. این مکان در انجیل آمده است و جایگاه به صلیب کشیده شدن مسیح علیه السلام بوده است. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۷، ص ۱۵۹.

۵. انطاکی، صلة تاریخ اوتیخا، ص ۱۹۵-۲۸۶. ابن اثیر، الكامل، ج ۱۶، ص ۳۱۷. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، ج ۴، ص ۷۵. مقریزی، اتعاظ الحنفاء باخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء، ج ۲، ص ۸۱. ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۴، ص ۱۷۹. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۷، ص ۱۵۸-۱۵۹.

کلیسای قیامت می‌روند. در همان زمان مسلمانان را نیز مشاهده کرد که به قصد حج از مصر خارج می‌شوند. الحاکم از اختکین ضیف العضدی - والی رمله و از سرداران سپاه فاطمی - درباره کلیسا (قمامة) قیامت پرسید، او در پاسخ بیان داشت که این کلیسایی است که مسیحیان آن را بسیار بزرگ می‌شمارند، مردم و حتی پادشاهان برای زیارت آن از همه سرزمین‌ها به آنجا می‌روند و اموال بسیار شامل لباس، پرده، فرش، چلچراغ، صلیب‌های ساخته شده از طلا و نقره و غیره به آنجا تقدیم می‌کنند. او برای الحاکم از نورپردازی هوشمندانه محراب آن کلیسا سخن گفت که شیوه نورپردازی آن به‌گونه‌ای است که گویی نوری درخشان از آسمان بر محراب می‌تابد. الحاکم از این تعاریف خوشش نیامد و به اختکین فرمان انهدام و غارت این کلیسا را داد تا همه آنچه وجود داشت محو و نابود گردد. علاوه بر کلیسای قیامت، کلیسای ماری قسطنطین که داخل این کلیسا بود نیز ویران شد.^۱

انهدام قبر مقدس ضربه مهلکی بر امت مسیحی بود و این سبب دعوت به جنگ صلیبی توسط پاپ شد تا برای نجات قبر مقدس که سال‌ها محل زیارت مسیحیان بود، اقدام کنند. این مکان سی سال بعد در عهد المستنصر بالله دوباره تجدید بنا شد.^۲

در سال ۳۹۷ ه. ق این محدودیت‌ها و سخت‌گیری‌ها شدت یافت. در این سال به مسیحیان و یهودیان فرمان داده شد لباس سیاه پوشیده و مسیحیان صلیب بر گردن آویخته که اندازه آن صلیب‌ها یک ذراع و وزن آن پنج رطل بود و یهودیان نیز مجبور بودند تصویر شیطان چوبی به همان اندازه و وزن و نیز زنگ‌هایی بر گردن بیاویزند. ذمیان از سوارشدن بر اسب و استر منع شده و تنها مجاز به سوارشدن بر الاغ بودند. زین‌های استفاده شده از چوب توت و افسار آن می‌بایست از چرم و بدون تزئین

۱. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۷، ص ۱۹۶. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۲۲، ص ۲۰۷. مقریزی، انعاظ الحنفاء باخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء، ج ۲، ص ۹۳. ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۴، ص ۱۸۷. حسن محمد صالح، التشیع المصری الفاطمی، ص ۳۱-۳۲. محمد عبدالله عنان، الحاکم بامرالله، ص ۱۳۷.

۲. محمد عبدالله عنان، الحاکم بامرالله، ص ۱۳۸.

می‌بود، علاوه بر این محدودیت‌ها، آن‌ها اجازه سوارشدن بر کشتی‌های مسلمانان را نداشتند مگر اینکه خدمتکار مسلمانان باشند.^۱

در سال بعد الحاکم رفتار خصمانه و سخت‌گیری‌های بیشتری را نسبت به ذمیان نشان داد و به نحوی که آن‌ها ملزم به پوشیدن غیار شده و علاوه بر شروط العمریة، شروط دیگری بر آن شروط افزوده شد. او مسیحیان را ملزم کرد که صلیب‌هایشان را بر روی لباس به گردن بیاویزند. آنان از صلیب‌هایی از جنس طلا و نقره استفاده می‌کردند که الحاکم آنان را از این کار منع نمود.

او فرمان انهدام و غارت کلیساهایی مانند کلیسای حارة الروم در قاهره و بسیاری کلیساهای دیگر را داد. مسلمانان اجازه یافتند وسایل و اثاث و ظروف مقدس کلیساها را غارت کرده و در بازارها به فروش برسانند.^۲ در طی این دستور سه هزار دیر و کلیسا ویران شد که در میان آن‌ها آثار باشکوهی وجود داشت که هیچ‌گاه دوباره ساخته نشد.^۳ این اقدامات تا سه سال ادامه یافت. یحیی بن سعید روایت می‌کند که الحاکم بعد از فرمان انهدام کلیساها دستور داد از تل باقی‌مانده کلیساهای ویران‌شده، مسجد جامع الحاکم و مسجد راشده را بنا کنند. علاوه بر این، او فرمان داد اوقاف دیرها و کلیساها را مصادره و به بیت‌المال انتقال دهند.^۴

الحاکم در این سال بر برگزاری جشن‌ها و اعیاد اهل ذمه نظارت و کنترل شدید داشت. او برگزاری عید شعانین و تزئین کلیساها و خارج کردن صلیب‌ها و نخل را

۱. ابن مقفع، تاریخ بطاركة الكنيسة المصرية، ج ۳، ص ۵۶. انطاکی، صلة تاریخ اوتیخا، ص ۲۹۶. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، ج ۲، ص ۷۴-۷۵. ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۴، ص ۱۸۷. مقریزی، تاریخ الأقباط، ص ۱۱۱. حسن محمد صالح، التشیع المصری الفاطمی، ص ۳۲-۳۳. طقوش، محمد سهیل، تاریخ الفاطمیین من شمالي افريقية و مصر و بلاد الشام، ص ۲۷۵. محمد عبدالله عنان، الحاکم بامرالله، ص ۱۳۸.
۲. ارمنی، ابوصالح، کنائس و اديرة مصر، ص ۱۴۶. دواداری، کنز الدرر، ج ۴، ص ۲۷۰. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، ج ۴، ص ۷۱۵. ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۴، ص ۱۷۷. ابن خلکان، وفيات الأعيان فی أنباء أبناء الزمان، ج ۲، ص ۱۶۲.
۳. ابن مقفع، تاریخ بطاركة الكنيسة المصرية، ص ۲۴۸. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، ج ۴، ص ۳۹۹. محمد عبدالله عنان، الحاکم بامرالله، ص ۱۴۰.
۴. انطاکی، صلة تاریخ اوتیخا، ص ۱۸۶. مقریزی، اتعاظ الحنفاء باخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء، ج ۲، ص ۴۸.

ممنوع نموده و گروهی را به خاطر سرپیچی از این فرمان دستگیر نمود^۱. وی به محتسبان خود دستور داد که اهل ذمه یا باید اسلام آورند یا به سرزمین روم بروند. این محدودیت‌های شدید، فشار زیادی بر ذمیان وارد آورده و سبب شد که آنان از روی اجبار اسلام آوردند.^۲

سال ۴۰۰ ه.ق، سال انهدام دیر القصیر^۳ - از بزرگ‌ترین دیرهای ملکایان در المقطم - به فرمان الحاکم بود. در حالی که ارسانیوس بطریق اسکندریه و دایی شاهزاده ست الملک در آن مأوی گزیده بودند، اثاث و وسایل این دیر غارت شده و ارسانیوس و تعداد بسیاری از راهبان اخراج گردیدند. قبرهای دیر ویران و تابوت‌ها و اجساد در آن را بیرون کشیدند. الأنطاکی روایت کرده است که همانند این خشونت هیچ‌گاه مشاهده نشده است. ارسانیوس بعد از چند سال زندان در سال ۴۰۳ ه.ق به فرمان الحاکم به قتل رسید.^۴

از محدودیت‌های اعمال شده از طرف الحاکم در این سال ممنوعیت نواختن ناقوس‌ها و برداشته شدن صلیب‌ها از برج‌های کلیساها در همه ولایات مصر بود.^۵ در سال ۴۰۱ ه.ق الحاکم برگزاری همه اعیاد مانند عید الغطاس و عید الصلیب، توسط مسیحیان را ممنوع ساخت. به خصوص آنان از برگزاری جشن‌ها و خوش‌گذرانی، غسل در نیل و اختلاط با مسلمانان به شدت منع شدند.^۱

۱. مقریزی، اتعاض الحنفاء باخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء، ج ۲، ص ۷۱. محمد عبدالله عنان، الحاکم بامرالله، ص ۱۳۸.
۲. ابن عبری، تاریخ مختصر الدول، ص ۳۱۳.
۳. دیر قصیرة: قصیر ضد طویل. نام‌های دیگر این دیر عبارتند از دیر البنخس القصیر، دیر البغل و دیر هرقل. این دیر در بالای کوه المقطم قرار داشت چنان‌که بر نیل و صحرای اطرافش اشرف داشت. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۲، ص ۵۰۲-۵۰۳.
۴. انطاکی، صلة تاریخ أوتیخا، ص ۱۹۴-۱۹۷. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۴، ص ۳۹۸. مقریزی، تاریخ الأقباط، ص ۱۱۱. مقریزی، اتعاض الحنفاء باخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء، ج ۲، ص ۸۱. محمد عبدالله عنان، الحاکم بامرالله، ص ۱۳۸، طقوش، محمد سهیل، تاریخ الفاطميين من شمالی افریقیة و مصر و بلاد الشام، ص ۲۷۴.
۵. ابن مقفع، تاریخ بطاركة الكنيسة المصرية، ص ۳۳۰. محمد عبدالله عنان، الحاکم بامرالله، ص ۱۳۸.

در سال ۴۰۴ ه. ق اهل ذمه مصر ملزم شدند هنگام ورود به حمام‌ها، صلیب و زنگ بر گردن بیاویزند. بعد از مدتی برای آنان، حمام‌های جداگانه‌ای تعیین شد. در این سال به مسیحیان این اختیار داده شد که یا اسلام آورند یا از سرزمین مصر خارج شده و به سرزمین‌های روم، نوبه یا حبشه مهاجرت نمایند در غیر این صورت کشته خواهند شد. این امر سبب شد بسیاری از کسانی که امکان مهاجرت را نداشتند به‌ظاهر اسلام آورده و ایمانشان را مخفی نگه‌دارند.^۲

در سال ۴۱۱ ه. ق رئیس طور سینا (سنت کاترین) به نزد الحاکم رفت و از او برای جان راهبان امان خواست. علاوه بر آن، او اجازه تعمیر دیر قصیر را - در کوه المقطم - از خلیفه درخواست کرد تا راهبان به آنجا بازگردند، الحاکم نیز موافقت کرد. الحاکم فرمانی بنا بر درخواست رئیس طور سینا به نقفور - بطریق بیت المقدس - مبنی بر آزادی در برپایی و برگزاری کلیساهای بیت المقدس و نقاط دیگر مصر به آنان داد. علاوه بر این الحاکم دستور به معاف شدن بسیاری از املاک و اوقاف کلیساها از خراج و مالیات را داد.^۳

اعیاد مسیحیان

مسیحیان مصر یا همان قبطیان که پیرو مذهب یعقوبی بودند، چهارده عید مشهور داشتند که هفت عید آن، از اعیاد بزرگ محسوب می‌شد و هفت عید دیگر آن از اعیاد کوچک به شمار می‌آمد. عیدهای بزرگ آن‌ها، شامل، عید البشاره، عید الزیتونه، عید الفصح، عید خمیس الاربعین، عید خمیس، عید میلاد و عید الغطاس و عیدهای کوچک شامل عید الختان، عید الاربعین، عید خمیس العهد، عید سبت النور، عید حد

۱. انطاکی، صلة تاریخ اوتیخا، ص ۲۸۲. مقریزی، اتعاظ الحنفاء باخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء، ج ۲، ص ۸۶-
 ۸۹. طقوش، محمد سهیل، تاریخ الفاطمیین من شمالی افریقیة و مصر و بلاد الشام، ص ۲۷۳.
 ۲. ابن بطریق، التاریخ المجموع علی التحقیق و التصدیق، ص ۱۹۵. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۶، ص ۳۵.
 ۳. مقریزی، تاریخ الأقباط، ص ۴۸، محمد عبدالله عنان، الحاکم بامرالله، ص ۱۵۱.

الحدود، عيد التجلی و عيد الصلیب بود. بقیه عیدهای مصریان قبطی را مقریزی مواسم نامید؛ مانند نوروز، لیالی الوقود الاربع، سجن النبی یوسف، عيد فتح الخلیج.^۱

خلفای فاطمی در جشن‌های ملی که برخی از آنان اعیاد قبطیان به شمار می‌رفت، شرکت فعال داشتند، مانند عيد المیلاد، عيد الغطاس، عيد خمیس العهد. فاطمیان در این اعیاد، سکه‌های طلا را که «خراریب الذهب» نام داشت، ضرب می‌کردند.^۲

در این عیدها، بازارها و دیوان‌ها تعطیل شده و از قصر هدایا و خوراکی‌ها و نوشیدنی‌های فراوان فرستاده می‌شد و همه مردم مصر اعم از مسیحی و مسلمان در آن شرکت می‌کردند. حتی برخی از خلفا نیز به تماشای آن می‌نشستند.^۳

عيد البشارة

این عید از اعیاد مسیحیان به شمار می‌رود و در اصل بشارت جبرئیل به حضرت مریم عَلَيْهَا السَّلَامُ برای تولد مسیح عَلَيْهِ السَّلَامُ است. این عید توسط اقباط مصر در بیست و نهم ماه برمهاث^۴ برگزار می‌شد.^۵

عيد الزيتونة

این عید نزد قبطیان به عيد شعانین یعنی تسبیح هم معروف است و در هفدهمین روز روزه‌شان برگزار می‌شده است. بنا به سنت، آنان شاخه درخت خرما (نخل) را از کلیسا خارج می‌کردند؛ زیرا در این روز مسیح سوار بر الاغش در قدس به کوه صهیون وارد شد و درحالی که مردم او را تمجید کرده و بزرگ می‌داشتند از میان آنان عبور کرد.

۱. مقریزی، المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۲، ص ۲۷، مقریزی، تاریخ الأقباط، ص ۲۳۱.

۲. ابن میسر، نصوص من اخبار مصر، ص ۹۵. ابن طویر، نزهة المقلتین، مقدمه کتاب نوشته ایمن فؤاد، ص ۸۵.

۳. حسن محمد صالح، التشیع المصری الفاطمی، جزء الثالث، ص ۱۳۱.

۴. برمهاث: ماه هفتم از تقویم قبطی است.

۵. مقریزی، تاریخ الاقباط، ص ۲۳۲.

مسیح آن‌ها را به اعمال نیک دعوت کرد و از اعمال منکر نهی نمود. اقباط در این روز کلیساها را آزين می‌بستند.

الحاکم بر برگزاری جشن‌ها و اعیاد اهل ذمه، نظارت و کنترل شدید کرد. او برگزاری عید شعانین و تزئین کلیساها و خارج کردن صلیب‌ها و نخل را ممنوع نموده و گروهی را به خاطر سرپیچی از این فرمان دستگیر و تنبیه نمود.^۱

این عید در دوره خلافت الظاهر لإعزاز دین الله و المستنصر بالله برپا می‌شد، در این باره، أنباء میخائیل روایت کرده است که مسیحیان شهر اسکندریه در زمان المستنصر بالله این مراسم را مطابق رسمشان در امنیت و آرامش برگزار می‌کردند که این امر سبب اعتراض مسلمانان شد اما والی اسکندریه از مسیحیان حمایت نموده و از تعرض به اقباط جلوگیری کرد.^۲

عید فصیح

این عید از بزرگ‌ترین عیدهای مسیحیان قبطی بود. آن‌ها معتقد بودند هنگامی که مسیح از فقرا در برابر یهود حمایت کرد، او را برای خوارکردن و قتلش دستگیر کردند و او را به چوبی محکم بسته و بر روی چوبی به دار آویختند. بعد آن را در قبری گذاشته و روی آن مهر کردند و نگرهبانی بر آن قرار دادند تا مبادا جسدش دزدیده شود. پطرس و یوحنا دو شاگرد مسیح بر سر قبر او آمدند و ملائکه لباس سفید آوردند. او از قبر برخاست و با آن دو سخن گفت و آن‌ها را به عمل به انجیل امر کرد. این عید از آن زمان به عید صلیبوت معروف شده و در روز نوزدهم برمهات برگزار می‌شد و سه روز ادامه داشت. در این روز - برای گرامی داشتن اعیاد - خوراکی‌هایی مانند ترنج، نارنج، لیمو و ساقه‌های نیشکر توسط خلفای فاطمی میان مردم و بزرگان، توزیع

۱. مقریزی، اتعاض الحنفاء باخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء، ج ۲، ص ۷۱. محمد عبدالله عنان، الحاکم بامرالله، ص ۱۳۸.

۲. ابن مقفع، تاریخ بطاركة الكنيسة المصرية، ج ۳، ص ۷۷. حسن محمد صالح، التشيع المصرى الفاطمى، ص ۲۸۳.

می‌شد. مقریزی نیز روایت کرده است که خلیفه - الظاهر لإعزاز دین الله - در طی برگزاری عید فصح هنگامی که مردم اعم از مسیحیان و مسلمانان برای برگزاری جشن این عید در قنطرة المقدس جمع شده بودند با خانواده و خدم و حشم و رجال دولتی، مدت طولانی به تماشای جشن می‌نشست و سپس به قصر خود بازگشت. مقریزی متذکر می‌شود در این جشن، منکرات بسیاری انجام می‌شد چنانکه زنان را از شدت مستی در سبد پالان استرها حمل می‌کردند.^۱

عید خمیس الأربعاء

این عید در نزد مردم به «مسلاق» معروف است و هم‌چنین «عید صعود» هم نامیده می‌شود. زمان برگزاری این عید، چهل و دومین روز فطر است. آن‌ها معتقدند که مسیح عليه السلام بعد از چهل روز از قیامش، از خانه عنیا خارج شد و همراه شاگردانش بود. او دستش را بالا برد و به آسمان صعود کرد، سپس شاگردانش به بیت المقدس بازگشتند.^۲

عید الخمیس

این عید «عنصرة» نیز نام داشت و زمان آن پنجاه روز بعد از رفتن مسیح برگزار می‌شد. آن‌ها معتقد بودند که بعد از گذشت ده روز از صعود مسیح و پنجاه روز از رفتن مسیح به آسمان‌ها، شاگردان او در بالای صهیون جمع شدند و روح القدس در زبان بر آنان متجلی شد چنانکه بر همه زبان‌ها سخن می‌گفت و در دستانشان آیات بسیاری ظاهر شد، سپس یهودیان آنان را زندانی کردند و خدا آنان را از زندان نجات داد و در زمین متفرق شده تا مردم را به دین مسیح دعوت کنند.^۳

۱. مقریزی، اتعاض الحنفاء باخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء، ج ۱، ص ۱۷.

۲. مقریزی، المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۲، ص ۲۸. مقریزی، تاریخ الاقباط، ص ۲۳۴-۲۳۵.

۳. مقریزی، المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۲، ص ۲۸. مقریزی، تاریخ الاقباط، ص ۲۳۳-۲۳۵.

عید المیلاد

عید المیلاد روزی است که مسیح در آن متولد شده و آن‌ها در این روز در کلیساها چراغ‌های بیشتری روشن کرده و به تزئین کلیساها می‌پرداختند. این عید در مصر در بیست و نهم ماه کیهک^۱ برگزار می‌شد و همچنان در سرزمین مصر از عیدهای مشهور به حساب می‌آید و در روزگار فاطمیان به خصوص در دوره خلافت «الآمر» در سال ۵۱۷ ه.ق میان بزرگان مسیحی و امراء و بزرگان دولتی، جامه‌های آراسته و ظرف‌هایی پر از شیرینی و آماج (نانی که از آرد سفید پخته شده است) مشک‌های شربت و ظرف‌های ماهی، بخش می‌شد. مسیحیان در این عید، آتش‌بازی می‌کردند. فاطمیان به تقلید از اخشیدیان در این عید، سکه‌هایی را ضرب کرده و در آن روز توزیع می‌کردند.^۲

عید الغطاس

این عید در مصر در روز پانزدهم ماه طوبه^۳ و اصل آن نزد مسیحیان مربوط به غسل یحیی بن زکریا معروف به یوحنا المعمدان^۴ توسط مسیح عَلَيْهِ السَّلَام در دریاچه اردن است، هنگامی که مسیح از آب خارج شد به روح القدس پیوست و مسیحیان برای همین، فرزندان‌شان را در این روز در آب غسل می‌دادند و خودشان نیز در این روز در آب نیل غسل می‌کردند. این عید از اعیاد بسیار مهم اقباط به شمار می‌رفت. مسعودی روایت کرده که برای مردم مصر، شب عید الغطاس از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ مردم در آن شب نمی‌خوابند. در شب عید الغطاس در مصر در دوره اخشید «محمد بن طغج» امیر مصر که در خانه‌اش معروف به «مختار» در جزیره الراكبة در نیل و نیل آن جزیره را احاطه کرده، دستور داد که دو کناره (ساحل) نیل و ساحل

۱. کیهک: ماه چهارم از تقویم قبطی است.

۲. سیده اسماعیل کاشف، مصر فی عصر الإخشیدین، ص ۲۵۲.

۳. طوبه: ماه پنجم از تقویم قبطی است.

فسطاط هزار مشعل روشن کنند، این تعداد به‌غیر از مشعل‌ها و شمع‌هایی بود که مردم مصر روشن کرده بودند. مسعودی در سال ۳۳۰ ه.ق در شب عید الغطاس به ساحل نیل آمد. آن شب، هزاران مسیحی و مسلمان در قایق، بودند و برخی در کناره و ساحل نیل حضور داشتند. در آنجا آشامیدنی‌ها و خوراکی‌ها و لباس‌ها و ظروف طلا و نقره و جواهر زیادی وجود داشت و نوازندگان و خوانندگان حضور داشتند. آن شب برای مردم، بهترین شب در مصر بود، درب‌های خانه‌ها، قفل و بسته نمی‌شد. همه در آب نیل غسل می‌کردند زیرا معتقد بودند از بیماری‌ها در امان خواهند ماند.^۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۲، ص ۳۰. مقریزی، تاریخ الاقباط، ص ۲۳۸.

نتیجه گیری

از جمله عوامل موفقیت و تداوم حکومت فاطمیان، اتکا بر تعالیم دینی و بنیادهای قوی حاکمیت بود. حکومت فاطمیان بنا بر تعالیم اسماعیلی در تبلیغات خود توسط داعیان اسماعیلی همه مخاطبان خود را صرف نظر از نژاد، دین و مذهب برمیگزید. آن‌ها با تکیه بر عقل‌گرایی، تعصب و خشک‌اندیشی را رها کرده، شهروندان مسیحی را در کنار مسلمانان قرار داده و آن‌ها را در اداره امور حکومت شریک گردانیدند. عامل دیگر تداوم حکومت فاطمیان، سازمان دیوان‌سالاری قوی آنان بود که به استمرار قدرت سیاسی و مذهبی آن‌ها کمک شایانی نمود؛ اما با به خلافت رسیدن «الحاکم» بامر الله فاطمی» شرایط و وضعیت مسیحیان تغییر کرد و بنا به تعصبی که این خلیفه نسبت به ذمیان داشت، قوانین محدودکننده زیادی را برای اهل ذمه قرار داد. او وزرا و رجال حکومتی به خصوص مسیحیان را برای باقی ماندن در شغلشان، ملزم به پذیرش اسلام کرده و بسیاری از آنان را به خاطر سوءاستفاده از مقام و نفوذشان تأدیب و به قتل رسانید. با این حال با بررسی منابع، آشکار می‌شود که اگرچه «الحاکم» سخت‌گیری‌ها و محدودیت‌های شدیدی برای رجال مسیحی حکومت خود قائل شده بود ولی بسیاری از ارکان حکومتی او هنوز از مسیحیان بودند.

مسیحیان در دوره‌های بعدی همچنان مشارکتی فعال در عرصه سیاسی و اداری حکومت فاطمیان داشتند، چنان‌که در دوره حکومت «المستنصر بالله فاطمی» نفوذ و سیطره آنان به جایی رسید که وزرای تنفیذی فاطمی تبدیل به وزرای تفویضی شدند. باروی کار آمدن برخی از وزرا، خلفای فاطمی، قدرت چندانی در عرصه حکومت نداشتند و برای آنان چیزی جز نام خلافت باقی نمانده بود. هم‌چنین خلفای فاطمی، اهتمام فراوانی در تکریم و تجلیل مادی و معنوی علماء نمودند و متکفل تأمین معاش و ارزاق بسیاری از آنان گشتند، در ضمن مسیحیان از نظر اجتماعی، دارای اعیادی

بودند. مسیحیان مصر یا همان قبطیان که پیرو مذهب یعقوبی بودند، چهارده عید مشهور داشتند که هفت عید آن، از اعیاد بزرگ محسوب می‌شد و هفت عید دیگر آن از اعیاد کوچک به شمار می‌آمد.



فهرست منابع

۱. ابن ابی اصیبعه، احمد ابن قاسم، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، تحقیق نزار رضا، بیروت، منشورات دار مکتبه الحیاه، لبنان، ۱۹۶۵.
۲. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن الکرّم الشیبانی؛ الکامل فی التاریخ، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۴ م، ۱۳۸۵ هـ. ق.
۳. ابن الطویر، ابو محمد مرتضی عبدالسلام بن الحسن القیسرانی، نزهه المقلتین فی اخبار الدولتین، اعاده ببناءه و حقه و قدم له ایمن فؤاد سید، بیروت، دار النشر، ۱۴۱۲ هـ. ق. ۱۹۹۲ م.
۴. ابن العماد، ابو فلاح عبد الحی بن احمد ابن العماد الحنبلی، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، بیروت، دار المسیر، ۱۹۷۹ م.
۵. ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدین احمد بن محمد بن ابی بکر، وفيات الأعیان فی أنباء أبناء الزمان، بیروت، دار صادر، ۱۳۵۶ هـ. ش. ۱۹۷۲ م.
۶. ابن صیرفی، امین الدین ابوالقاسم علی، الاشارة الی من نال الوزاره، تحقیق عبدالله مخلص، طبع المعهد العلمی الفرنسی، قاهره، ۱۹۲۴.
۷. ابن ظافر، جمال الدین علی، اخبار الدول المنقطعه، مقدمه و تعقیب أندریه فریه، القاهره، مطبوعات المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقیه بالقاهره، ۱۹۷۲ م.
۸. ابن مأمون، الامیر جمال الدین ابو علی موسی بن المأمون البطائحي، نصوص من اخبار مصر، حققها و کتب مقدمتها و حواشیها، ایمن فؤاد سید، القاهره، المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقیه بالقاهره، ۱۳۶۳ هـ. ق. ۱۹۸۳ م.
۹. ابن میسر، محمد بن علی یوسف بن جلب، اخبار مصر، بتصحیح هنری ماسیه، القاهره، مطبعة المعهد العلمی الفرنسی، ۱۹۱۹ م.
۱۰. الأرمنی، ابوصالح جرجیس بن مسعود، کنائس و أديره مصر المعروف بتاریخ الشیخ ابو صالح الارمنی، آکسفورد، تحقیق و ترجمه Evetts، ۱۸۹۴ م.
۱۱. الازدی، ظافر بن حسین، (۱۹۹۹)، اخبار الدول المنقطعه، تحقیق عصام مصطفی هزایمه و محمد عبدالکریم محافظه، دار الکندی للنشر و التوزیع.

١٢. الأنطاکی، یحیی بن سعید، تاریخ الأنطاکی المعروف بصلة تاریخ اوتیخا، حقه و صنعہ و فہارسہ عمر عبدالسلام تدمری، طرابلس - لبنان، جروس بروس، ١٩٩٠ م.
١٣. ایوب، ابراہیم، تاریخ الفاطمی الاجتماعی، الشركه العالمیہ الكتاب، بیروت، ١٩٩٧ م.
١٤. برنارد، لوئیس، تاریخ اسماعیلیان، ترجمہ فریدون بدرہ ای، تہران، انتشارات طوس، ١٣٦٢ هـ. ق.
١٥. الحافظ السلفی، معجم السفر، تحقیق عبداللہ عمر البارودی، بیروت: دارالفکر، ١٤١٤ ق - ١٩٩٣ م.
١٦. حسن، حسن ابراہیم، تاریخ الاسلام، السیاسی و الدینی و الثقافی و الاجتماعی، القاہرہ، الطبعة السابعة، ١٩٦٤ م.
١٧. حمدان، عباس، اسماعیلیان در تاریخ، ترجمہ یعقوب آژند، تہران، انتشارات مولی، ١٣٦٣ هـ. ش.
١٨. الخربوطلی، علی حسنی، العزیز باللہ الفاطمی، القاہرہ، وزارہ الثقافہ دارالکتب العربی، ١٩٦٨ م.
١٩. دفتری، فرہاد، تاریخ و عقاید اسماعیلیہ، ترجمہ فریدون بدرہ ای، تہران، انتشارات فرزاد فر، ١٣٧٥ هـ. ش.
٢٠. الدواداری، ابوبکر بن عبداللہ بن ایبک، کنز الدّر و جامع الغرر، الجزء السادس، الدرّہ المضيئہ فی اخبار الدولہ الفاطمیہ، تحقیق صلاح الدین المنجد، القاہرہ، بالمعهد الآلمانی للآثار بالقاہرہ، ١٣٨٠ هـ ق - ١٩٦١ م.
٢١. دورانت، ویل، تاریخ تمدن (قیصر و مسیح)، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ١٣٧٢.
٢٢. الساویرس، ابن مقفع اسقف اشمونین، تاریخ البطارکة الكنيسة المصرية، المعروف بسیر البيعة المقدسة، نشر: یسی عبدالمسیح و عزیز سورئال عطیة و بومستر و أنطوان ضاهر، القاہرہ، جمعية الآثار القبطية ١٩٥٩-١٩٧٤ م.
٢٣. سرور، محمد جمال الدین، تاریخ الدولہ الفاطمیہ، القاہرہ، دارالفکر العربی، بی تا.
٢٤. سید، ایمن فؤاد، الدولہ الفاطمیہ فی مصر، المكتبة الاسرہ، قاہرہ، ٢٠٠٧.
٢٥. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، حسن المحاضرہ فی تاریخ مصر و القاہرہ، تحقیق محمد ابوالفضل ابراہیم، المكتبة العصریہ، ١٤٢٥.
٢٦. شافعی محمود، سلام، اهل الذمة فی مصر فی العصر الفاطمی الاول، القاہرہ، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٩٩٥ م.

۲۷. طقوش، محمد سهیل، تاریخ الفاطمیین من شمالی افریقیة و مصر و بلاد الشام، بیروت، دار النفائس، ۱۴۲۲ هـ. ق. ۲۰۰۱ م.
۲۸. العبادی، احمد مختار، التاريخ العباسی و الفاطمی، الاسکندریه، موسسه شباب الجامعه، ۱۹۸۹ م.
۲۹. عبده قاسم، قاسم، اليهود فی مصر، القاهرة دار الشروق، ۱۴۱۳ هـ. ق. ۱۹۹۳ م.
۳۰. عنان، محمد عبدالله، الحاكم بامرالله، سعودی و مصر، مكتبه الخانجی بالقاهره، الطبعة الثانی، ۱۴۰۴ هـ. ق. ۱۹۸۳ م.
۳۱. قبادیانی، ناصر خسرو، سفرنامه ناصر خسرو، به كوشش محمد دبیر سیاقی، تهران كتابفروشی زوار، ۱۳۵۷ هـ. ش.
۳۲. القرشی، عمادالدین ادريس بن حسن، عیون الأخبار فی فنون الآثار، تحقیق مصطفى غالب، بیروت، دار الأندلس، ۱۹۸۶ م.
۳۳. القفطی، علی بن یوسف، تاریخ الحكماء و هو مختصر الزوزنی من كتاب اخبار العلماء باخبار الحكماء، فرانكفورت، معهد تاریخ العلوم العربیة و الاسلامیة، ۱۳۷۸ هـ. ق. ۱۹۹۹ م.
۳۴. القلقشندی، ابو العباس احمد بن علی، صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، قاهره، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، بی تا.
۳۵. ماجد، عبد المنعم، ظهور الخلفاء الفاطمیة و سقوطها فی مصر، دارالمعارف، الطبعة الثانية، ۱۹۷۶ م.
۳۶. متز، آدام، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم ۱۳۶۴.
۳۷. محمدحسن، زکی، كنوز الفاطمیین، بیروت، دار الرائد العربی، ۱۹۸۱ م.
۳۸. محمد صالح، حسن، التشیع المصری الفاطمی، جزء الثالث، اشعاع و حضاری مئتان و عشر سنوات من الابداع الانسانی، بیروت، دار المحجّة البيضاء، الطبعة الاولى، ۱۴۲۸ هـ. ق. ۲۰۰۷ م.
۳۹. المسیحی، محمد بن عبیدالله، اخبار مصر فی سنتین (۴۱۴-۴۱۵ هـ. ق)، تحقیق ویلم چ. میلورد، الهیئة المصریة العامه للكتاب، ۱۹۸۰ م.
۴۰. المقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن البناء المعروف بالبشاری، احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، وضع مقدمته و هوامشه و فهارسه محمد مخزوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۷ م.

٤١. المقریزی، تقی الدین ابی العباس احمد بن علی بن عبدالقادر العبیدی، تاریخ الأقباط، دراسة و التحقیق الدكتور عبدالمجید دیاب، القاهرة، دارالفضیلة، بی تا.
٤٢. المقریزی، تقی الدین ابی العباس احمد بن علی بن عبد القادر العبیدی، اتعاظ الحنفاء باخبار الأئمة الفاطمیین الخلفاء، تحقیق الدكتور محمد حلمی محمد احمد، القاهرة، مجلس الأعلى للشئون الاسلامیة، ١٣٩٠ هـ. ق. ١٩٩٢ م.
٤٣. المقریزی، تقی الدین ابی العباس احمد بن علی بن عبد القادر العبیدی، کتاب المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، وضع حواشیه خلیل منصور، بیروت، دار الکتب العلمیه، ١٤١٨ هـ. ق - ١٩٩٨ م.
٤٤. ناصری طاهری، عبدالله، فاطمیان در مصر، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، ١٣٩٢.
٤٥. النویری، شهاب الدین احمد بن عبد الوهاب، النهایه الأرب فی فنون الادب، القاهرة، دار الکتب و الوثائق القومیة، الطبعة الثالثة، ١٤٢٨ هـ. ق - ٢٠٠٧ م.

